

ودادن اختيار باداره شهربانی يا داد سرا و کيمسيون مختلطي براي مجازات بازداشت ياتبعيد اشخاص مورد اتهام حتي کسانیکه اتهامشان منتهی بمحکوميتی نشده است هم برخلاف اصل انفکاک قوا و هم مخالف مصلحت اجتماع است که حقوق افراد دست خوش اعمال اغراض و در معرض استغادات سوء متصدیان يا اطرافيانشان قرار گیرد و بادادن اختيار بازداشت فوري اين نوع مرتکبين يياز پرسان قضائی و سپس رسيدگی بموارد اتهام در داد گاههای صلاحيت دار هر گونه احتمالات سوء پيش بينی و از هر جهة منظور از استقرار انتظام و امنيت قضائی تامين گردیده و ميگردد .

ارسالان خلعت بري

## نشر اکاذيب

ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومي

در سال ۱۳۱۳ ماده واحده ذيل بعنوان ۲۶۹ مکرر بقانون مجازات عمومي افزوده شده :

« ماده ۲۶۹ مکرر - الف - اگر کسی بقصد متهم نمودن غيرآلات و ادوات جرم و يا اشياء حاصله از آن و يا اشيائی را که يافت شدن آن در تصرف يکنفر موجب اتهام او ميگردد بدون اطلاع آن شخص در منزل يا دکان يا مغاره و يا جيب و يا اشيائی که متعلق باوست بگذارد يا مخفي کند و در اثر اين عمل شخص مزبور تعقيب گردد پس از ثبوت برائت آن شخص مرتکب بطريق ذيل مجازات خواهد شد .

۱ - در صورتیکه قصد او از آن عمل متهم ساختن غير بارتکاب جنحه بوده بعبس تأديبی از يکماه الی شش ماه .

۲ - در صورتیکه قهده او از آن عمل متهم ساختن غیر بارتکاب جنایتی بوده بحبس تادیبی از شش ماه تا دو سال .

ب - هر کس بقصد اضرار بغیر باتشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یا عرایض یا راپورت ها یا نشر یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا بعنوان نقل قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور بنحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی بغیر وارد شود یا نه بحبس تادیبی از یکماه تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر راپورت از شخص رسمی در حدود صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکوره در بند الف باشد مجازات او دو برابر مجرمین عادی خواهد بود .

هنوز معلوم نیست کدام تقیصه در قانون مجازات عمومی مشاهده شد که سبب گردید این ماده باین صورت وضع گردد و با اینکه مکرر زائد بودن این ماده تذکر داده شده هنوز اقدام بفسخ آن نشده است .

باتوجه بظاهر ماده کسی مقصر شناخته میشود که بوسیله مراسلات یا عرایض یا راپورت یا توزیع اوراق چاپی یا خطی اولاً اکاذیبی را اظهار و ثانیاً اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا بعنوان نقل قول بشخص یا مقامات رسمی نسبت دهد .

از زمان تصویب ماده مزبور از عنوان ( اظهار اکاذیب ) بوسیله شهربانی و دادسراها سوء استفاده بسیاری شده است و ماده مزبور طوری مورد سوء استفاده قرار گرفت که باعث جلوگیری مردم از شکایت بر علیه مامورین دولت گردید چه همینکه شخصی شکایتی از مامورین دولت مینمود او را بعنوان نشر اکاذیب بموجب همین ماده مورد تعقیب قرار میدادند که چند فقره آن برای مثال ذکر میشود .

در مجاورت ملک یکی از افسران شهربانی خانمی ملکی داشت که بدان از طرف افسر مزبور تجاوز میشد - خانم نامه شکایت آمیز راجع بعملیات افسر نوشت و تذکر داد که افسر از لباس خود سوء استفاده و برخلاف قانون

رفتار میکنند بر علیه این خانم بعنوان نشر اکاذیب ادعای نامہ صادر گردید .  
دیگری در اطراف شهر تهران اراضی داشت و چون شکایت متعدد  
نمود و بدون نتیجه مانده بود نامه بر رئیس شهر بانی وقت نوشت که این بیت  
شعر را در آخر آن افزوده بود .

بر آن انجمن زار باید گریست که فریاد رس را ندانند کیست  
اکثر ادعای نامہ هائی که در چنین مواردی بعنوان نشر اکاذیب صادر  
میشد در محاکم جنحه بوسیله صدور حکم محکومیت تأیید میگردد و چون  
و کلاء دادگستری و قضات موارد بسیاری از آنها بیاد دارند تذکر و توضیح  
بیشتری را لازم نمیدانند .

این طریق تعبیر از ماده واحده فوق بکلی با مقصود قانون گذار  
از آن متفاوت است و در مواردیکه از مأمورین دولت و اشخاص دیگر شکایت  
میشود که محتاج رسیدگی است نمیتوان بعنوان اینکه دلیل اثباتی شاکی کافی  
نیست او را به عنوان نشر اکاذیب تعقیب نمود .

گذشته از آن شکایت با خبر فرق دارد کسیکه از دیگری شکایت  
میکند قصدش رسیدگی بشکایت است نه ذکر خبر بنا بر این مادام که شکایت  
رسیدگی نشده و شکایت تمام مراحل خود را نپیموده بهیچ عنوان نمیتوان  
معرض شاکی گردید .

مطلبی را که دادسرا ها و محاکم در زمان سابق توجه نکرده اند  
این است که ذکر خبر با اظهار عقیده دو امر مختلف است اگر کسی نسبت  
بدیگری نسبت عدم لیاقت یا نداشتن معلومات کافی بدهد یا رفتار آن شخص  
را مورد انتقاد قرار دهد اظهار عقیده بیش نیست و هر کس میتواند عقیده  
خود را درباره دیگری اظهار کند - حال این عقیده ممکن است صحیح باشد یا  
ناصحیح ولی قبول آن بسته بقضاوت مردم است . پس اگر کسی اظهار عقیده  
نمود بر اینکه فلان شخص لیاقت اداره کردن فلان امر را ندارد یا در باره  
مسائلی نظر خود را اظهار نمود هر چند آن نظر در نظر دادسرا صحیح  
نباشد نمیتوان بر صاحب عقیده ایراد گرفت و او را بعنوان نشر اکاذیب  
تعقیب نمود .

پس از فراغت از توضیح در باره تفاوت بین خبر و اظهار عقیده و لزوم تمیز بین شکایت و غیر مورد شکایت باید باین نکته توجه نمود که نشر اکاذیب یا نسبت های باشخص یا مقامات رسمی اگر از اموری باشد که موجب تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی نگردد مورد مشمول ماده واحده نخواهد بود بنا بر این يك شرط عمده در تحقیق این جرم آن است که امری که نسبت داده میشود موجب تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی گردد و با اینوصف بسیار واضح است اگر کسی از افسر شهربانی یا نظامی یا یکی از رؤساء ادارات کشوری یا هر شخص دیگری شکایتی مبنی بر تجاوز نسبت به حق خود کند چنین امری از لحاظ جریانات کشوری از امور عادی محسوب است چه روزی هزار ها از نوع آن در ادارات و محاکم و داد سراها شکایت میشود و مسئله نخواهد بود که اذهان عمومی یا مقامات رسمی را مشوش سازد و اخباریکه باعث تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی گردد ممکن است از قبیل خبر بروز جنگ و انقلابات داخلی و ظهور امراض خطرناک از قبیل وبا و طاعون باشد و بهر حال تظلم نسبت باشخص و رویه ادارات و اظهار عقیده در مورد اشخاص از اموری نیست که منطبق با موضوعات مذکور در ماده واحده باشد .

علاوه از مراتب فوق برای اینکه کسی بعنوان ماده واحده مزبور تعقیب گردد باید محرز باشد که قصدش اضرار بفیر یا تشویش اذهان عمومی و مقامات رسمی است و چنین مواردی نادر است .

این است وقتی برویه گذشته دادسراها و محاکم چنانچه توجه میکنیم میبینیم توجهی بهحقیقت ماده واحده نداشته اند و در این اواخر هم مشاهده شده است اشخاصی بعنوان نشر اکاذیب با استفاده از ماده مزبور تحت تعقیب قرار گرفته اند در صورتیکه موضوع منطبق با ماده واحده نبوده و در محاکم منتهی بصدور حکم برائت شده است .

بعقیده این جانب وجود ماده مزبور زائد و غیر لازم است و چون مورد سوء استفاده واقع میشود لازم است نسخ گردد .